

Identification of Institutional Barriers to Regional Entrepreneurship Development

**(A Critical Approach to Historical System of Entrepreneurship
Development Policy Making)**

Bahman Khodapanah^{*}, Mohammad Ali Moradi^{}**

Hamid Padash^{*}, Kamal Sakhdari^{****}**

Abstract

Entrepreneurship transforms the challenges of regions into opportunities such as increasing employment and income rates, reducing crimes caused by unemployment and poverty. Clearly, entrepreneurship development is not possible without efficient institutions that respond creatively and entrepreneurially to local and regional issues and challenges. Hence, the purpose of the present study is to identify the institutional barriers to entrepreneurship development in Iran from a historical perspective before the Islamic Revolution of 1979. Therefore, 12 sources related to Iran's underdevelopment have been selected and were analyzed by using the theme analysis strategy and Atlas T software in two stages of open and axial coding. According to the results, the main root of entrepreneurship underdevelopment in Iran should be examined in the course of history, and the unfavorable business environment at the present time is not the only reason for the lack of entrepreneurship development in Iran. The most important institutional barriers identified in the studied texts can be classified into 6 main categories: administrative barriers,

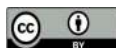
* PhD Candidate, Faculty of entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran, khodapanah@ut.ac.ir.

** Associate Professor Faculty of entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), mmoradi@ut.ac.ir.

*** Assistant Prof. Faculty of entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran, padash@ut.ac.ir.

**** Assistant Prof. Faculty of entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran, kasakhdari@ut.ac.ir.

Date received: 03/01/2021, Date of acceptance: 03/04/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

economic barriers, social and cultural barriers, legal and regulatory barriers, political barriers, personal and cognitive barriers, which are part of these barriers (administrative, economic, legal-regulatory, political) in the category of formal institutions and another part (socio-cultural and cognitive-personal) in the category of informal institutions.

Keywords: Entrepreneurship Development Policy Making, Regional Entrepreneurship, Institutional Barriers, Historical Approach.

شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در ایران (رویکردی انتقادی به نظام تاریخی سیاست‌گذاری کارآفرینی)^۱

بهمن خدایانه*، محمدعلی مرادی**

حمید پاداش***، کمال سخدری****

چکیده

کارآفرینی با تبدیل چالش‌ها و مسائل به فرصت‌هایی چون افزایش نرخ اشتغال و درآمد، کاهش جرایم ناشی از بی‌کاری و فقر، و همچنین افزایش خودکفایی به تأثیرگذاری در جوامع می‌پردازد. تحقیق حاضر با رویکرد کیفی به شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی در ایران از منظر تاریخی پرداخته و به همین منظور، ده اثر مرتبط با عدم توسعه‌یافتگی ایران که ناظر بر نظام برنامه‌ریزی قبل از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بوده انتخاب شده است و با استفاده از استراتژی تحلیل تم و بهره‌گیری از نرم‌افزار اطلس تی. آی، در دو مرحله کدگذاری باز و محوری تحلیل شدند. طبق نتایج به‌دست‌آمده ریشه اصلی عدم توسعه‌یافتگی کارآفرینی در ایران را بایستی در گذرگاه تاریخ بررسی کرد و مساعدنبودن محیط کسب‌وکار در زمان فعلی تنها دلیل عدم توسعه‌یافتگی کارآفرینی در کشور نیست. مهم‌ترین موانع نهادی شناسایی شده در متون موردبررسی در شش طبقه اصلی اداری، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، قانونی و مقرراتی، سیاسی، و شناختی - شخصی قابل‌دسته‌بندی است که بخشی از این موانع (اداری، اقتصادی، قانونی - مقرراتی، و سیاسی) در طبقه نهادهای رسمی و بخشی دیگر (اجتماعی - فرهنگی و شناختی - شخصی) در طبقه نهادهای غیررسمی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی، کارآفرینی منطقه‌ای، موانع نهادی، رویکرد تاریخی.

* دانشجوی دکتری کارآفرینی، گروه توسعه، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، ایران، khodapanah@ut.ac.ir

** دانشیار گروه توسعه کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

mmoradi@ut.ac.ir

*** استادیار گروه کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران، padash@ut.ac.ir

**** استادیار گروه کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران، kasakhdari@ut.ac.ir

تاریخ دریافت ۱۴/۱۰/۱۳۹۹، تاریخ پذیرش: ۱۴/۰۱/۱۴۰۰



۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، کارآفرینی با فرایند خلق و پی‌گیری فرصت‌های نوآورانه برای تولید ارزش در جامعه به‌منزله ابزار و سازوکار توسعه اقتصادی و اجتماعی توسط نویسندگان و سیاست‌گذاران مورد توجه قرار گرفته است (Roundy and Dutch 2018). با مروری بر اقتصاد کشورهای مختلف مشخص می‌شود که برخی مناطق از مناطق دیگر عملکرد اقتصادی بهتری دارند و افراد بیش‌تری با فعالیت‌های کارآفرینانه درگیرند و در مقایسه با میانگین کشور رشد اقتصادی بالاتری دارند (Chaston 2017). این رشد فزاینده ناشی از ساختار اقتصادی مناسب، وجود مزیت‌های نسبی در فعالیت‌های مختلف، سیاست‌گذاری، و برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح است. زمینه نهادی شامل ساختار فرهنگی ماهیت فرصت‌های کارآفرینانه و مردمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که آن فرصت‌ها را شناسایی و اقدام به بهره‌برداری از آن می‌کنند (Alia et al. 2019).

نادیده گرفتن استعدادها، توانایی‌ها، و مزیت‌های نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق صورت نگیرد و باوجود اجرای برنامه‌های متعدد توسعه ملی و منطقه‌ای هم‌چنان روند توسعه نیافتگی مناطق ادامه یابد (کرمی و آگهی ۱۳۹۴). بنابراین، در صورتی که عوامل مؤثر در رشد اقتصادی مناطق شناسایی شود و درک درستی از توان‌مندی‌ها و تنگناهای آن مناطق حاصل آید، می‌توان زمینه ارتقای سطح سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مناطق تصمیم‌گیری درست و مبتنی بر آگاهی را برای سیاست‌گذاران ملی و منطقه‌ای فراهم کرد.

سطح منطقه‌ای به‌منزله سطحی از فضای مدیریت و اجرای سیاست‌های توسعه‌ای همواره مورد توجه محافل علمی، سیاست‌گذاری، و اجرایی بوده است. از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسعه منطقه‌ای و محلی به‌عنوان فعالیتی مهم، هم در سطح ملی و هم در سطح دولت‌های محلی و منطقه‌ای، در سراسر جهان به‌طور روزافزون مورد توجه قرار گرفت (Pike et al. 2006). در ایران نیز با روی کار آمدن دولت مدرن و آغاز برنامه‌های توسعه، که روابط پیشامدرن بین شهرها، روستاها، و مناطق مختلف کشور را از هم گسیخت، نابرابری‌های منطقه‌ای به مشکلی بغرنج تبدیل شد. به همین علت، از دهه ۱۳۴۰ رویکرد توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت و سیاست و ابزارهای مختلفی برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای به کار گرفته شد. باین حال، علی‌رغم سابقه و قدمت سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در ایران در بیش‌تر این اقدامات همواره این نکته مورد غفلت قرار گرفته که ایران سرزمینی وسیع است که

تنوع و تکثر وجه غالب آن را تشکیل داده است (فرجی‌زاده و دیگران ۱۳۸۴). بنابراین، دستیابی به اهداف کلان توسعه ملی مشروط به درک و شناخت همه‌جانبه سطوح محلی و منطقه‌ای است. ضمن این‌که برنامه‌ریزی‌های ملی بدون واسطه برنامه‌ریزی‌های محلی و منطقه‌ای قادر به شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های محلی و منطقه‌ای نیستند و در تدوین اهداف توسعه‌ای خود با مشکلات اساسی مواجه خواهند بود. نتیجه این امر کم‌توجهی به تحول پارادایم‌های سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای، کاستی در شیوه مدیریت اجرایی، اجرایی شدن راهبردهای کلان توسعه ملی، و سرانجام تحقق نیافتن کامل اهداف سیاست‌گذاری‌هاست (همان).

باتوجه به مطالب گفته‌شده، بررسی ادبیات نظری و تجربی نشان‌دهنده این حقیقت است که مطالعه‌ای که موانع توسعه کارآفرینی را از منظر نهادی مورد بررسی قرار داده باشد تاکنون انجام نشده است. لذا تحقیق حاضر به دنبال آن است که به بررسی ریشه‌ای و تاریخی موانع نهادی کارآفرینی در کشور بپردازد. از این رو، قسمت دوم مقاله به مبانی نظری پژوهش پرداخته خواهد شد. بخش سوم مقاله روش‌شناسی پژوهش را مورد بررسی قرار خواهد داد. در بخش چهارم، تحلیل یافته مشخص شده است و در نهایت در بخش پنجم، نتیجه‌گیری و پیش‌نهادهایی از منظر سیاست‌گذاری ارائه داده شده است.

۲. مبانی نظری

۱.۲ کارآفرینی منطقه‌ای

کارآفرینان، به واسطه محصولات و خدمات بی‌بدیلی که خلق می‌کنند، موتور اشتغال‌آفرینی، پیشرفت فناورانه، و رشد اقتصادی جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه‌اند (Andreas et al. 2020). جدای از تأثیر اقتصادی، شواهد حکایت از این واقعیت دارد که کارآفرینی توانایی شکل‌دادن به فرهنگ از طریق نفوذ بر نهادها را دارد و به وسیله ارائه راه‌حل به مشکلات موجود در جوامع عملکرد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Rindova et al. 2009). با این نگاه، کارآفرینی به‌عنوان منبع رستگاری (emancipation) استقلال مالی، ترویج، ارتقای خلاقیت، و مخرب وضعیت موجود تلقی می‌شود (Stevenson 1986).

بوسما و استرنبرگ در یکی از پژوهش‌های خود، با در نظر گرفتن جنبه‌های فضایی و جغرافیایی برای کارآفرینی، چهار سطح فراملی (برای مثال، اتحادیه اروپا)، ملی (کشور)، منطقه‌ای (برای مثال، مناطق شهری)، و سطح محلی برای آن در نظر گرفته‌اند

(Bosma and Sternberg 2014). کارآفرینی منطقه‌ای پدیده‌ای نوین در حوزه مطالعات کارآفرینی است که به علت همین بدعت، میان‌رشته‌ای بودن آن، و نادیده گرفتن جنبه‌های فضایی در پدیده کارآفرینی تاکنون نتوانسته است تعریف واحدی داشته باشد و هنوز راه زیادی تا شناخت واقعی آن باقی است. برخی از تعاریف متعارف کارآفرینی منطقه‌ای در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. تعاریف مختلف کارآفرینی منطقه‌ای

تعریف	نویسنده
کارآفرینی منطقه‌ای نیز همانند واژه کارآفرینی، تعریف واحدی ندارد و در برخی موارد کارآفرینی منطقه‌ای به تعبیری از کارآفرینی تبدیل شده است و در برخی موارد دیگر نیز، به کسب‌وکارهای کوچک ارجاع داده می‌شود که در مناطق دارای رکود اقتصادی عملیاتی می‌شوند یا به ارائه خدمات می‌پردازند.	(Jones 2007)
بوسما و استرنبرگ نیز در تحقیقات خود اشاره می‌کنند که هنوز تا تولید یک نظریه مناسب یا حداقل مفهومی برای تشریح فرایند کارآفرینی منطقه‌ای و دلایل و تأثیرات آن راه زیادی مانده است.	Bosma and) (Sternberg 2014)
تامپسون (2012) با بیان این‌که تعریف متداولی از کارآفرینی منطقه‌ای وجود ندارد، ابراز می‌کند که کارآفرینی منطقه‌ای تعریف واحد و خاصی ندارد، اما گاهی در معنی کارآفرینی اقلیت و برخی زمان‌ها در معنی کسب‌وکارهای کوچک یا ارائه‌گر خدمات در نواحی دچار رکود اقتصادی به کار برده می‌شود.	(Thompson 2012)

کارآفرینی در سطح منطقه به دلایلی چون ماهیت بازار، ماهیت سیستم نوآوری، و ماهیت فرهنگ، جامعه، و نهادهایی که کسب‌وکارها در بستر آن تأسیس شده‌اند، با آنچه در سطح ملی رایج است، متفاوت است. در مطالعات منطقه‌ای، یافته‌ها و محدودیت‌های مربوط به عوامل ذکر شده بیان‌گر دو نیازمندی بالقوه است:

- معرفی سیاست عمومی در قالب دامنه‌ای از مداخلات و سازوکارهای حامی؛
- معرفی سیستمی از حکم‌رانی سیاستی (policy governance) به‌منظور مداخلات مناسب و سازوکارهای حمایتی قوی (Huggins 2015).

۲.۲ بنیان‌های نظری کارآفرینی به‌مثابه روی‌دادی منطقه‌ای

امروزه پدیده کارآفرینی فاقد یک چهارچوب مفهومی است (Shane and Venkataramn 2000). به‌طور کلی، این موضوع درمورد نظریه‌های کارآفرینی منطقه‌ای در هر دو دیدگاه رایج صحت دارد. از یک‌سو، تحقیقات در زمینه کارآفرینی به‌طور کلی پی‌آمدهای مکانی را،

علی‌رغم اهمیت فزاینده آن، در جنبه‌های زمینه‌ای و مفهومی کارآفرینی نادیده می‌گیرد. از سوی دیگر، رشته‌هایی که در جهت موضوعات مکانی مانند علوم منطقه‌ای یا جغرافیای اقتصاد فعالیت و تحقیق می‌کنند، حتی به صورت نظری نیز به ندرت به کارآفرینی پرداخته‌اند (Malecki 1997; Sternberg 2004). در نتیجه تعجبی ندارد که اکثر تحقیقات نظری کارآفرینی از نظریه‌هایی استفاده می‌کنند که در رشته‌ها و حوزه‌های علمی دیگری توسعه یافته‌اند و کم‌وبیش جای خود را در تحقیقات کارآفرینی باز کرده‌اند، اگرچه «همیشه برای سؤالات تحقیقی که روندها و سطوح تحلیلی را مورد بررسی قرار می‌دهند و شایع‌ترین در تحقیقات کارآفرینی هستند، عملکردی بهینه ندارند» (Davidsson 2006). کینی و پاتون نتیجه گرفته‌اند که «جغرافیای اقتصادی کارآفرینی بحثی جذاب و زمینی حاصل‌خیز به منظور تحقیق در حوزه جغرافیای اقتصادی است» (Kenney and Patton 2005: 225). قطعاً نیاز است تا نظریه‌هایی درباره عوامل و مبین‌های مکانی کارآفرینی آزمون، بهبود، و توسعه داده شود.

تحلیل فعالیت‌های استارت‌آپ، اشتیاق، و گرایش برای راه‌اندازی شرکت‌های جدید سالیان سال تنها شامل رویکردهایی می‌شد که بر بخش عرضه و عوامل فردی و شخصی مربوط به کارآفرین، با تأکید بر مشوق‌های راه‌اندازی یک شرکت، تمرکز می‌کرد. آن عوامل تنها در تحلیل‌های تجربی کاربرد داشتند. به همین دلیل، در سال‌های اخیر عوامل تقاضا و محیطی (شامل عوامل منطقه‌ای) مورد توجه بیش‌تری قرار گرفته‌اند. این مطلب بیان‌گر این است که تنها عوامل فردی نمی‌تواند یک روی‌داد کارآفرینی را توضیح دهد و به‌بازو وسیع‌تری از عوامل زمینه‌ای و مفهومی نیاز است. در واقع، در نظر گرفتن عوامل محیطی به صورت کلان شامل قرابت و نزدیکی مکانی و ویژگی‌های محیط منطقه‌ای رایج‌تر و محبوب‌تر شده است. از دیدگاه نظری، تحلیل مبین‌های مفهومی و زمینه‌ای کارآفرینی که به صورت ایجاد و خلق سازمان‌ها تعریف می‌شود، در مفهوم یا رویکرد طرف تقاضا مستتر و گنجانده شده است (Thornton 1999).

منظور از اهمیت ابعاد منطقه‌ای کارآفرینی این نیست که تمامی فعالیت‌های کارآفرینانه تحت تأثیر شرایط و متغیرهای منطقه‌ای است و قطعاً مؤلفه‌های ملی نیز در توصیف فعالیت‌های کارآفرینانه اهمیت به‌سزایی دارند. بدین معنی که این شرایط بیش‌تر میان کشورها و نه میان مناطق مختلف یک کشور تغییر می‌کنند (مثلاً قوانین مالیاتی). بعضی از شرایط نیز بر اساس ویژگی‌های افراد تعیین می‌شوند. با وجود این، طیف وسیعی از یافته‌های تجربی و نظری پیش‌نهاد می‌دهند که علاوه بر چهارچوب ملی، شرایط بسیار دیگری وجود دارند که میان منطقه‌های مختلف یک کشور تغییر می‌کنند و بر تصمیم افراد در خصوص

خوداشتغالی اثرگذارند. واژه مصطلح «فضای کارآفرینانه» بسیاری از این مشخصه‌های منطقه‌ای را که حداقل قادر به تأثیرگذاری در تصمیم افراد محلی به‌منظور راه‌اندازی و عدم راه‌اندازی یک استارت‌آپ و حتی موفقیت و شکست آتی یک استارت‌آپ است، یک پارچه می‌سازد. وجود برنامه‌های حمایت از کارآفرینی، درک، دیدگاه، و مهارت جمعیت درخصوص استارت‌آپ‌ها یا وجود مراکز حمایت‌کننده و مروج استارت‌آپ‌ها، اعم از دانشگاه‌ها با رشته‌های مرتبط و شرکت‌های نوآورانه، مثال‌هایی از این‌گونه مشخصه‌های منطقه‌ای زیر چتر فضای کارآفرینی هستند. بسیاری از تحلیل‌های تجربی (Reynolds et al. 1994؛ آدریش و فریچس ۱۹۹۴؛ رینولدز و دیگران ۱۹۹۴؛ نرلینگر ۱۹۹۸) نشان داده‌اند که حداقل در مناطق یا زمان‌هایی خاص، داده‌های جمع‌آوری‌شده منطقه‌ای اعم از ساختار سینی جمعیت، نرخ بی‌کاری، ساختار صنایع، یا ساختار اندازه‌های شرکت‌ها می‌توانند گرایش منطقه‌ای درقبال راه‌اندازی استارت‌آپ‌ها را توضیح دهند. این مطالب همگی اثباتی بر شمول نظریه‌های کارآفرینی مکانی است.

۳. رویکرد نهادی

نهادها به‌زعم داگلاس نورث (1991)، محدودیت‌های «انسان‌ساختی» هستند که در تعاملات سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی به‌وجود می‌آیند. محدودیت‌ها شامل دو نوع محدودیت غیررسمی (تحریم‌ها، تابوها، آداب و رسوم، سنت‌ها، و کدهای رفتاری) و محدودیت‌های رسمی (قانون اساسی، حقوق مالکانه، و ...) می‌شود.

اقتصاد نهادی یک برنامه تحقیقاتی عینیت‌گرا (برخلاف تئوری یا روش‌محور) است که سعی دارد نهادهای اجتماعی و پی‌آمدهای آن‌ها را تا آن‌جاکه به اقتصاد مربوط باشد، درک کند (Huggins 2015). از این‌رو، اقتصاددانان نهادگرا سعی در درک پیچیدگی‌های مرتبط با پدیده‌های عینی زمان و مکان خاص دارند و به همین ترتیب، کم‌تر با تئوری سروکار دارند و در عوض جست‌وجوی الگوها را مبنای اصلی کار خود قرار می‌دهند، اما این به‌معنای غیرنظری بودن اقتصاد نهادی نیست و این مکتب مشتمل بر نظریه‌های به‌اصطلاح میان‌رده است. هم‌چنین، پدیده‌های نهادی باتوجه‌به کشف برخی از «حقایق جاودانه» ارزیابی نمی‌شوند (مانند قانون گرانش، درمورد سودمندی نظریه‌های عمومی در اقتصاد)، بلکه باتوجه‌به ارزش عملی آن‌ها در تأثیرگذاری در پدیده‌های دنیای واقعی از طریق طراحی نهادی، مقررات، و مداخلات سیاستی ارزش‌گذاری می‌شوند (Hodgson 2001: 14-16). تمرکز بر پدیده‌های عینی و استراتژی تحقیقات اغلب القایی است. بدان معنا که حقایق

غیرتاریخی و متافیزیکی عمدتاً مردودند. ازاین‌ر، درک تاریخی از دانش علمی اساس نظریه‌پردازی نهادگرایی است. بسیاری از نهادگرایان ادعا می‌کنند که جدایی ارزش‌ها از علم توصیفی است و نه عملی و لزوماً مطلوب. درواقع، ارزیابی تمرین علمی باتوجه‌به ارزش عملی آن از قبل نشان می‌دهد که نهادگرایان کارهای خود را درمورد جامعه به‌طور کلی‌تر می‌دانند (Elsner 2017). این بدان معناست که نهادگرایان از درگیرشدن در سیاست یا شیوه‌های طراحی و تحول اجتماعی خودداری نمی‌کنند. به‌عنوان مثال، جان راجر کامونز، در بسیاری از کمیسیون‌های تحقیق صنعتی و هم‌چنین در تهیه پیش‌نویس توافق‌نامه جدید و قانون کار و رفاه ایالات متحده در هر دو سطح فدرال و ایالتی شرکت داشته است (Elsner 2006).

۴. پیشینه پژوهش

دل مونت و دیگران (Del Monte et al. 2020)، در پژوهش خود با عنوان «کارآفرینی و نوآوری: ریشه‌های تاریخی و تأثیر در رشد منطقه‌ای»، نشان دادند که سطح فعلی کارآفرینی منطقه‌ای نشأت‌گرفته از انباشت دانش و سرریزهایی است که به‌صورت تاریخی در مراکز علمی و دانشگاه‌های برخی مناطق وجود داشته است. به‌زعم این نویسندگان دانش، خلاقیت علمی، و درنهایت محیط فرهنگی از عوامل مهم بروز رفتار کارآفرینانه در بلندمدت به‌شمار می‌روند. کارآفرینی و نوآوری نیز تأثیر مثبتی در رشد اقتصادی منطقه‌ای دارند.

فریچ و ریچ (Fritsch and Wyrwich 2018)، در مقاله خود با عنوان «دانش منطقه‌ای، فرهنگ کارآفرینی، و استارت‌آپ‌های نوآور در طی زمان»، چنین نتیجه گرفتند که وجود دانشگاه‌ها و نرخ خوداشتغالی در طول تاریخ در توسعه کارآفرینی منطقه‌ای آلمان در بازه ۱۹۰۷-۲۰۱۴ تأثیر فراوانی داشته است، لذا به‌زعم این محققان، کارآفرینی منطقه‌ای پدیده‌ای بلندمدت است که در طول زمان و بستر تاریخ شکل می‌گیرد.

فریچ و ریچ (Fritsch and Wyrwich 2017)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر کارآفرینی در توسعه اقتصادی: تحلیل تجربی با استفاده از فرهنگ کارآفرینی منطقه‌ای»، چنین نتیجه گرفتند که باوجود تغییرات سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی، که جوامع را طی زمان تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، ساختار کسب‌وکارهای جدیدی که در سطح منطقه‌ای شکل می‌گیرد تا حد زیادی در طول زمان ثابت می‌ماند.

خان (Khan 2011)، در مقاله «حق ثبت اختراع و تشویق به عنوان مکانیسم‌ها تشویقی در بریتانیا: فهم رشد در بلندمدت»، بر این نکته تأکید کرده است که احترام به حقوق مالکیت توسط صاحبان قدرت و سیاست‌گذاران از مهم‌ترین پیش‌ران‌های توسعه کارآفرینی در برخی مناطق ایالات متحده آمریکا و اروپا بوده است.

به همین ترتیب فلوریدا (Florida 2014)، در مقاله خود با عنوان «طبقه خلاق و توسعه اقتصادی»، چنین نتیجه‌گیری کرده که به لحاظ تاریخی، محیط فرهنگی و اجتماعی حامی دانش و خلاقیت به توسعه ایده‌های جدید در سطح مناطق منجر می‌شود. افراد خلاق به محیط‌هایی جذب می‌شوند که ساختار اجتماعی و فرهنگی (از جمله زبان، مذهب، و غیره) حامی دانش علمی و تنوع باشد و حمایت‌های فرهنگی به‌وفور در آن یافت شود.

هم‌چنین، به‌زعم نویسندگانی چون گلیزر و دیگران (Glaser et al. 2004)، بروتن و دیگران (Bruton et al. 2010)، استودزر و دیگران (2018)، فریچ و ریچ (Fritsch and Wyrwich 2018)، و اوربانو و دیگران (2019) ویژگی‌های محیطی در طول زمان و به‌سختی شکل می‌گیرند و تغییرات با آهستگی اتفاق می‌افتند. تاریخ عنصری حیاتی در فهم تفاوت‌های کنونی اقتصاد در کشورها و مناطق مختلف است. مهم‌ترین دلیل برای چنین وابستگی به مسیر را می‌توان در میراث فرهنگی سراغ گرفت؛ نهادهای رسمی و غیررسمی مانند مقررات، قانون کار، قواعد «نانوشته بازی»، و دانش و فرهنگ منطقه‌ای کارآفرینی که عمیقاً ریشه در تاریخ دارد.

۵. روش‌شناسی تحقیق

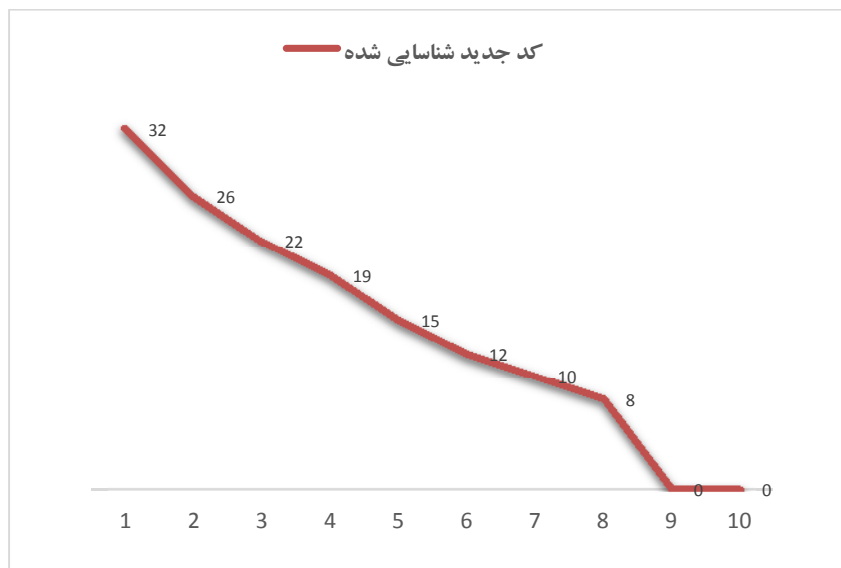
پژوهش حاضر به لحاظ هدف از پژوهش‌های کاربردی و از منظر گردآوری داده‌ها در رده تحقیقات توصیفی قرار دارد. در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات موردنیاز، کتب و مقالات کلیدی منتشرشده در مورد نظام برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی ایران، که عمدتاً مربوط به قبل از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ است، شناسایی شده و با استفاده از رویکرد فراترکیب به تحلیل، کدگذاری (باز و محوری)، و محتوای مقالات پرداخته شده است. مشخصات آثار بررسی‌شده در این پژوهش به شرح جدول ۲ است. توضیح این نکته لازم است که سعی شده است تا آثاری انتخاب شوند و موردتجزیه و تحلیل قرار بگیرند که به قلم نویسندگان داخلی و خارجی نگاشته شده‌اند و بازه زمانی وسیعی را در بر می‌گیرند. هم‌چنین، ذکر این نکته لازم است که متون بررسی‌شده در عنوان و در نگاه اول به بحث کارآفرینی و کارآفرینی منطقه‌ای ارتباط مستقیمی ندارند، ولی از آن‌جا که کارآفرینی یک زمینه

مطالعاتی میان‌رشته‌ای است (Landström and Harirchi 2018) پژوهش‌گران، پس از ماه‌ها مطالعه و بررسی، به این نتیجه رسیدند که آثار منتخب مهم‌ترین آثاری هستند که می‌توانند ریشه‌های تاریخی عدم توسعه‌یافتگی کارآفرینی را نیز در کشور تشریح کنند.

جدول ۲. منابع مورد استفاده

نویسنده	نام اثر	سال نگارش	زمان بررسی
۱	محمود سریع القلم	فرزان	۱۳۴۴-۱۱۹۳
۲	مورگان شوستر	اختناق ایران	۱۲۹۰-۱۲۸۹
۳	آرتور میلسپو	وضعیت مالی و اقتصادی ایران در دوره رضا شاه	۱۹۲۷-۱۹۲۴
۴	ای. آر. لینگمن	گزارشی درباره وضعیت مالی و بازرگانی ایران	۱۹۲۸-۱۹۰۰
۵	ای. آر. لینگمن	وضعیت اقتصاد ایران	۱۹۳۱-۱۹۰۰
۶	اس. سیموندز	وضعیت اقتصادی ایران	۱۹۳۶-۱۹۰۰
۷	آرتور میلسپو	مأموریت آمریکایی‌ها در ایران (۱۹۲۵)	۱۳۰۱-۰۶
۸	آرتور میلسپو	آمریکایی‌ها در ایران: خاطرات دوران جنگ جهانی دوم (۱۹۴۶)	۱۳۳۱-۲۳
۹	جرج بالدوین	برنامه‌ریزی و توسعه در ایران؛ تجربه گروه مشاوران هاروارد	۱۳۳۷-۴۱
۱۰	فرانک سیف‌الدینی و موسی پناهنده‌خواه	چالش‌ها و موانع برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران	۱۳۸۹

برخلاف روش‌های نمونه‌گیری احتمالی که در آن‌ها هدف تعمیم نتایج از یک نمونه معرف کل جامعه مورد پژوهش است، در روش‌های کیفی چنین هدفی مدنظر نیست و معیار توصیف یا تبیین یک پدیده به مشروح‌ترین شکل ممکن است. بنابراین، معیاری معرفتی می‌شود که در آن رسیدن به حداکثر اطلاعات در مورد پدیده به‌عنوان نقطه پایان در نظر گرفته می‌شود. این معیار در زمینه پژوهش‌های کیفی اشباع نامیده می‌شود. استفاده از روش اشباع داده در پژوهش‌های کیفی استانداردِ طلایی پایان نمونه‌گیری در نظر گرفته می‌شود (رنجبر و دیگران ۱۳۹۱). به عبارتی، اشباع نظری مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نمی‌آیند، مقوله گستره مناسبی می‌یابد، و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید می‌شود (Glaser 1978). فرایند اشباع نظری به‌صورت خلاصه در نمودار ۱ مشاهده می‌شود. در این نمودار، محور عمودی نشان‌دهنده تعدادی مفاهیم جدید است که طی بررسی متون شناسایی شده‌اند و محور افقی نشان‌دهنده شماره منبع بررسی شده است.



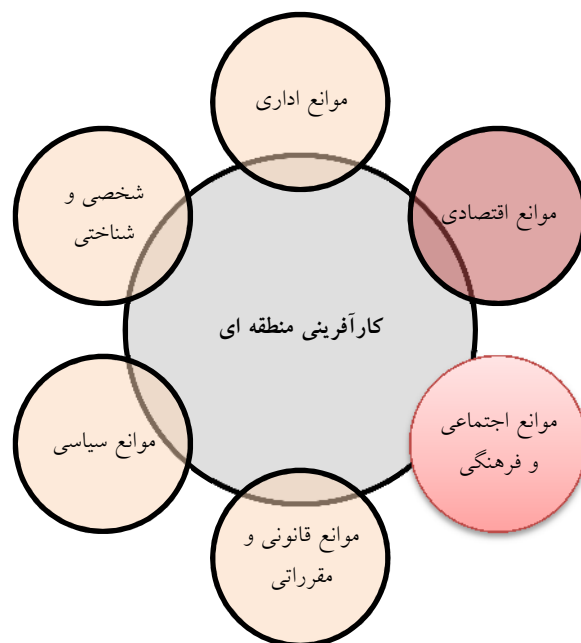
نمودار ۱. اشباع نظری

در این پژوهش، محققان از پایایی بازآزمون و روش توافق درون‌موضوعی برای محاسبه پایایی متون بررسی شده بهره برده‌اند و برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهش‌گر، محاسبه پایایی بازآزمون (شاخص ثبات) انجام شد. به عبارتی، بعد از مرور چندین باره متون، چهار سند برای نمونه انتخاب و کدگذاری شدند و سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هرکدام از متون با هم مقایسه شدند و در نهایت درصد پایایی بازآزمون چهار سند منتخب به ترتیب ۹۰، ۹۲، ۸۰ و ۸۴ درصد به دست آمد که بیان‌گر تأییدپذیری این آزمون است.

۶. یافته‌های پژوهش

در این مرحله از مطالعه داده‌های پژوهشی تحلیل می‌شود. تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق با اتخاذ رویکرد استقرایی در دو مرحله کدگذاری باز و محوری انجام یافته است (کدگذاری باز محوری). کدگذاری باز عبارت است از فرایند خردکردن، آزمون، مقایسه، مفهوم‌سازی، و طبقه‌بندی داده‌ها (Strauss and Corbin 1994: 281) و از سوی دیگر، کدگذاری محوری «فرایند ارتباط‌دهی طبقات (با درجه بالاتری از انتزاع) به زیرطبقاتی با انتزاع کم‌تر است» و عنوان محوری بدین جهت به این شیوه کدگذاری داده شده است که در این رویکرد،

کدگذاری حول محور یک طبقه انجام می‌شود و طبقات و زیرطبقات را به یکدیگر در سطح خصیصه‌ها و ابعاد مرتبط می‌سازد (Razmjoo and Nouhi 2011: 184) یا به عبارتی در مرحله کدگذاری محوری، پژوهش‌گر یکی از طبقه‌ها را به عنوان طبقه محوری انتخاب می‌کند، آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند موردکاوش قرار می‌دهد، و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند. براساس نتایج تحلیل، ۱۴۴ کد باز و در سطح بالاتر شش کد محوری شناسایی شده است. شکل ۱ نشان‌دهنده مهم‌ترین موانعی است که در طول زمان موجبات ضعف کارکردی کارآفرینی در کشور را فراهم کرده است.



شکل ۱. موانع نهادی توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در ایران
منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه، هریک از طبقات شناسایی شده به تفکیک مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱.۶ موانع سیاسی

عمده مشکلاتی که نظام توسعه کسب و کار را از منظر سیاسی تحت تأثیر قرار داده، مشتمل بر سیاست داخلی است. تحلیل متون نشان می‌دهد که نظام سیاسی ایران، در دوران قبل از

انقلاب اسلامی، قائم‌به‌فرد بوده و این فرد نیز از لحاظ سیاسی عملکرد ضعیفی داشته و در برابر تقاضاهای نظامیان از خود مقاومتی نشان نداده است. از سوی دیگر، قائم‌به‌فرد بودن نظام سیاسی باعث شده است که روابط قدرت در تمام کشور قائم‌به‌فرد باشد و تمرکز امور سیاسی کل کشور در پایتخت واقع شود. تعیین مقررات سخت‌گیرانه برای تشکیل گروه‌ها باعث شده است که فعالیت کمونیست‌ها روزبه‌روز افزایش یابد و فضای سیاسی کشور را دچار التهاب کند و التهاب فضای سیاسی کشور به‌یقین به تخریب فضای کسب‌وکار و مانع‌تراشی برای فعالیت کارآفرینان منجر شود (جدول ۳).

جدول ۳. کدهای باز مرتبط با طبقه‌محوری موانع سیاسی

منبع کد										کد
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1	
			*						*	توقیف روزنامه‌ها و مطبوعات
			*			*	*	*	*	محدود کردن فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در مواقع بحرانی
		*		*						بی‌اطلاعی ذی‌نفعان سیاسی از نظام انتخاباتی مدرن
	*		*	*		*	*			تغییرات سریع و ناگهانی در کابینه دولت
		*	*			*			*	وجود استعفاهای متعدد نمایندگی اعضای دولت
									*	پاسخ‌گویی مسئولان در برابر دولت‌های دیگر تا مردم ایران
		*	*		*		*			شورش‌های نظامی برای به‌دست‌گرفتن سلطنت
		*				*				رقابت کینه‌توزانه جناح‌های سیاسی
	*		*		*		*	*		قائم‌به‌فرد بودن سرنوشت مردم
				*			*	*	*	عدم تشکیل دولت توسط اکثریت مجلس
		*				*			*	عدم اطلاع مردم از سازوکار حکومتی نوین (دموکراسی)
			*	*	*				*	ترجیح منافع شخصی به ملی در استفاده از قدرت

منبع کد										کد
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1	
	*	*	*		*			*		اتکا و تعهد افراطی سیاسیون به تفاهم‌نامه با قدرت‌های بین‌المللی
*	*									زدوبند مقامات دولتی از انبارهای گندم دولتی
		*	*		*					ایجاد شرایط سفته‌بازی برای وزرا و مقامات دولتی
						*	*		*	محدودنشدن پاسخ‌گویی دولت به حزب دارای اکثریت مجلس
						*		*		حساسیت مسئولان به هرگونه انتقاد مطبوعاتی
					*					عدم تفکیک قوا در تمامی سطوح اداری/ دولتی

۲.۶ موانع قانونی و مقرراتی

موانع قانونی و مقرراتی از زمان‌های دور تا عصر فعلی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی بوده است. به‌لحاظ تاریخی نبود قوانین مدون و حامی کسب‌وکار و نبود هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی کشور از عوامل اصلی تخریب محیط کسب‌وکار در کشور بوده است (جدول ۴).

جدول ۴. کدهای باز مرتبط با طبقه‌محوری موانع قانونی و مقرراتی

منبع کد										کد	قانونی و مقرراتی
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1		
*				*			*		*	نبود قوانین مقابله با جرایم مالی	
	*				*				*	عدم اراده قوه قضاییه برای مبارزه با فساد	
				*			*			وجود نابه‌سامانی گسترده در قوه قضاییه	
	*	*		*				*	*	همکاری قوه قضاییه با متخلفان	
*		*	**					*	*	منوط‌کردن برخورد با متخلفان به واکنش احساسات عمومی مردم	
									*	نبود قانون ممنوعیت احتکار محصولات	

۳.۶ موانع اداری

موانع اداری، همانند سایر عوامل شناسایی شده، از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی کسب‌وکارها از زمان قاجار تا به امروز بوده است. در واقع نظام سلسله مراتبی و غلبه نظام روابط بر ضوابط همیشه به‌عنوان مانعی برای توسعه کسب‌وکار در سطح محلی، منطقه‌ای، و ملی بوده است.

جدول ۵. کدهای باز مرتبط با طبقه‌محوری موانع اداری

منبع کد										کد	
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1		
		*				*			*	فقدان جایگاه قانونی خاص برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای	رویه‌های اداری
	*			*		*	*			بی‌توجهی به بُعد توسعه شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، و ارتباط برنامه‌ریزی شهری با آن	
			*				*	*	*	تفویض هر بخش از فعالیت‌ها به وزارت‌خانه‌های ذی‌ربط، موازی‌کاری‌ها، و اختلال در هماهنگی‌ها	
*	*					*				بی‌توجهی به مزیت‌های منطقه‌ای در نظام برنامه‌ریزی	
		*	*				*		*	بی‌توجهی به بعد توسعه شهری برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ارتباط برنامه‌ریزی شهری با آن	
	*				*	*	*	*	*	فقدان قدرت و اراده در حاکمیت محلی و منطقه‌ای	
*			*		*					مقابله تمرکزطلبان و بخش‌گراهای پایتخت با تشکیل سازمان‌های مشابه در دیگر استان‌ها	
	*			*				*	*	عدم امکان ارتقای مردم عامه به مناصب عالی دولتی	
*										توجه زیاد به مرکز، پایتخت‌محوری، و تمرکزگرایی	
*										برنامه‌ریزی بالا به پایین مناطق و نگرش بخشی در برنامه‌ریزی‌ها	
*										بی‌توجهی به مناطق مرزی و تجهیز امکانات به دلایل امنیتی	

منبع کد										کد
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1	
*										بی توجهی به مناسبت تجهیزات ارائه شده با محیط منطقه
*										نبود برنامه‌های آزمایشی یک پارچه و به کار بستن آن
*										تنزل هدف تصدی مقام به منتفع کردن اطرافیان
						*		*		اولویت رابطه بر ضابطه در نظام استخدامی
					**			*		وجود هرج و مرج در نظام پرداخت حقوق‌ها
	*		*							انجام ملاقات‌های بی‌شمار مسئولان با یکدیگر
										تعداد بی‌شمار حقوق‌بگیران درباری
	*									نداشتن مستندات فعالیت‌های اداری
*			*		*		*			ارائه نکردن اطلاعات از سوی ادارات
		*	*				*		*	تقسیم مناصب بین خانواده‌های ذی نفوذ
		*	*		*		*	*	*	نااطمینانی مدیران از بقای مدیریتی‌شان
			*	*	*	*	*			اعتصاب کارکنان برای جلوگیری از اصلاحات

۴.۶ موانع اقتصادی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم این که دولت ایران بر اثر کاهش ذخایر ارزی، تورم و رکود اقتصادی هم‌زمان، و کمبود نقدینگی مستمر تحت فشار بوده است. نظام اقتصادی با انحرافات متعددی در حوزه هزینه‌کردها روبه‌رو بوده است. درآمدهای متنوع از قبیل درآمدهای گمرکی به بازپرداخت قرض‌های شاه و درآمدهای نفتی نیز به پرداخت هزینه‌های جاری اختصاص می‌یابند و به‌سختی به امور توسعه‌ای صرف می‌شوند. از سوی دیگر، زیرساخت‌های تولیدی اعم از مواد اولیه و قطعات یدکی نیز به علت مشکلات اقتصادی مهیا نشدند.

جدول ۶. کدهای باز مرتبط با طبقه‌محوری موانع اقتصادی

منبع کد										کد	
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1		
						*				اخذ وام‌های سنگین از دولت‌های دیگر	اقتصادی
			*						*	ارائه دیون در قالب قیوض بلاسقف به ذی‌نفوذان سیاسی	
									*	تخصیص نصف بودجه کشور به ارگان‌های نظامی	
									*	آزادبودن بانک‌ها در ایجاد تعهد مالی برای دولت	
									*	عدم وضوح میزان درآمدهای ناشی از محل فعالیت‌ها	
								*	*	وجود وام‌های متعدد خارجی	
								*	*	عدم به‌روزرسانی آمار وضعیت اقتصادی و جمعیتی مناطق	
						*				هزینه انتقال پول معاملات در شهرها	
				*	*					تعیین عوارض گمرکی به نفع دول دیگر	
										کم‌ارزش‌بودن بهای عوارض گمرکی	
			*			*				شکاف زیاد بین درآمدها و مخارج دولت	
	*				*					درآمد اندک عوارض گمرکی نسبت به هزینه‌های بالای نگهداری مرزها	
			*					*		بی‌ارزش‌بودن احداث راه‌آهن سراسری از نظر اقتصادی	
				*				*	*	تأمین مالی بهره‌برداری از راه‌آهن سراسری	
*	*	*								عدم وجود دفاتر حساب مرکزی برای ترازدهی با سایر بانک‌ها	
										نبود ضراب‌خانه‌های کارآمد	
*			*						*	تناسب‌نداشتن درآمد ناشی از اخذ مالیات با هزینه نارضایتی مردم	مالی
		*		*	*			*		وصول نکردن کامل مالیات	

منبع کد										کد
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1	
			*	*			*			عدم صرفه اقتصادی اخذ مالیات از برخی کالاها
	*						*			وجود مراجع متعدد اخذ عوارض و مالیات
									*	منسوخ‌بودن نظام وضع مالیات
				*	*	*				تأمین بخش زیادی از مالیات در قالب اجناس
*	*		*						*	نداشتن ممیز محاسباتی مالی
			*	*		*		*	*	مشخص نبودن میزان درآمدهای مالیاتی به تفکیک منطقه
			*			*				نگارش کتابچه‌های مالیاتی به صورت گنگ و پیچیده
										مشخص نبودن منابع مالیاتی
							*		*	وجود حس مالکیت به کتابچه مالیاتی در مسئولان مالیاتی
	*				*					موروثی بودن مسئولیت جمع‌آوری مالیات در کشور
			*						*	کم بودن نسبت درآمد به مسئولیت مودیان مالیات

۵.۶ موانع فرهنگی و اجتماعی

یافته‌های پژوهش حکایت از این واقعیت دارد که به لحاظ تاریخی، فضای اجتماعی ایران به مسائل مختلفی گرفتار بوده است. به زعم بسیاری از نویسندگانی که آثار آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت، مردم ایران با فسادهای گسترده در همه سطوح زندگی‌شان عجین شده بودند. این مهم در تقویت روحیه فرار مالیاتی گسترده نقش مؤثری ایفا کرده و باعث کاهش سطح اعتماد عمومی در بین مردم این کشور شده و به نوعی به تقویت فردگرایی انجامیده است. هنوز مردم ایران فرهنگ مدرنیته و الزامات ناشی از آن را قبول نکرده بودند و به حقوق خود نیز آشنا نبودند و از همین روی درخواست‌ها و تقاضاهای خود را از نظام اداری به گونه‌ای ملتسمانه و نه از روی احقاق حقوق برحق خود درخواست می‌کردند. این امر در ادبیات تجربی و نظری یکی از موانع اصلی توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه است.

جدول ۷. کدهای باز مرتبط با طبقه‌محوری موانع فرهنگی و اجتماعی

منبع کد										کد		
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1			
											تضاد میان عرف و شرع	اجتماعی و فرهنگی
	*			*							نیبود قدرت و توان استدلال در ایرانیان در طول تاریخ	
							*				فردگرایی در ایران	
			*	*			*		*		تندمزاجی و واکنش شدید در برابر اشتباه دیگران	
											جوسازی علیه یک‌دیگر	
		*							*		الگو برداری نکردن از نمونه‌ها و کشورهای موفق	
											تعطیل بودن اخلاق در اکثر مناسبات اجتماعی	
								*			علاقه کم به تغییر و تحول	
											ضعف در ایجاد و حفظ روابط پایدار	
	*			*		*					محدود بودن نهضت فکری و قانون‌خواهی، جنبش شهری، و روشن‌فکری در میان ایرانیان	
*		*	*	*					*		فرافکنی گسترده و همه‌جانبه	
*		*			*		*	*	*		وجود مبانی اندیشه بومی (باستانی) و اسلامی (فرهنگ ریشه‌دار روحانیت) از یک طرف و اندیشه غربی از طرف دیگر	
				*			*				عصبانی شدن سریع	
			*			*					تمایل نداشتن به یادگیری از یک‌دیگر	
	*										فقدان یک سیستم و دستگاه فکری مشخص	
						*			*		تنوع ورود و خروج دائمی مکاتب فکری و جهان‌بینی‌ها در جامعه	
											تمایل به برهم زدن توافقات	
						*					لذت بردن از تخریب یک‌دیگر	
				*							توجه زیاد به مرکز، پایتخت‌محوری، و تمرکزگرایی	
								*			روح جمعی و مشارکت در کار	
						*					روابط سالم و انسانی	

شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در ... (بهمن خدایانه و دیگران) ۱۰۱

منبع کد										کد
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1	
				*	*					پشتکار و جدیت در کار
			*	*	*					دل‌بستگی و علقه به کار دربین نیروی انسانی
									*	روحیه مشارکت جمعی
*		*		*	*	*			*	انسجام روابط اجتماعی
		*		*	*	*			*	فرهنگ فعال‌گرایی دربرابر انفعال‌گرایی
		*		*	*	*			*	فرهنگ خردگرایی دربرابر تقدیرگرایی
*		*		*						فرهنگ هم‌گرایی و عام‌گرایی دربرابر واگرایی و خاص‌گرایی
		*	*			*			*	ترویج فرهنگ تقاضا برای محصولات داخل استان دربین نیروی انسانی و خانوارهای استان‌های هدف دربرابر فرهنگ مصرف کالاهای خارجی
*	*	*		*			*			درجه تأیید یا عدم تأیید رفتار کارآفرینانه
			*		*	*	*	*		ثبات مالی و پیشینه خانوادگی
										طبقه و گرایش‌های مذهبی

۶.۶ موانع شخصی و شناختی

براساس یافته‌های تحقیق، الگوی نهادی ناظر بر موانع توسعه کارآفرینی در شکل ۱ ارائه شده است. این الگو بیان‌کننده این حقیقت است که توسعه کارآفرینی منطقه‌ای نیازمند نگاه مبتنی بر رویکرد سیستمی است که مدیریت سنتی از آن غافل بوده است.

جدول ۸ کدهای باز مرتبط با طبقه‌محوری موانع شخصی و شناختی

منبع کد										کد	شناختی و شخصی
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1		
*		*	*	*	*				*	فقدان اعتماد به نفس	
					*	*	*	*		فقدان شبکه‌سازی و وابستگی با دیگران	
	*	*	*			*		*		نبود انگیزه	
		*	*	*	*		*			فقدان صبر	
		*				*			*	ناتوانی در رؤیایزدایی	

۷. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی به صورت کلی و کارآفرینی منطقه‌ای به صورت خاص در ایران بود. به همین روی، ده اثر که شامل نُه کتاب و یک مقاله نگاشته شده در بازه زمانی مختلف بود انتخاب شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موانع ناشی از پدیده برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی از سایر جوانب، به خصوص مداخلات دولت‌های بیگانه، شروع شده، اما به مرور موانع مستقیم برنامه‌ریزی توسعه بروز و ظهور پیدا کرده‌اند.

پژوهش حاضر از این منظر که مشکلات توسعه کارآفرینی و کارآفرینی منطقه‌ای را از منظر تاریخی مورد بررسی قرار داده، اولین پژوهش انجام شده در این زمینه است و به همین دلیل مقاله یا پژوهشی که قابلیت مقایسه (محتوا، روش انجام، و نتایج) با مقاله حاضر را داشته باشد وجود ندارد، ولی برخی از پژوهش‌هایی را تحلیل می‌کنیم که از بعضی جهات به پژوهش حاضر شبیه بودند؛ دل مونت و دیگران (Del Monte et al. 2020) در پژوهش خود سطح فعلی کارآفرینی منطقه‌ای را نشئت گرفته از انباشت دانش و سرریزهایی می‌دانند که به صورت تاریخی در مراکز علمی و دانشگاه‌های برخی مناطق وجود داشته است. یافته‌های این پژوهش از برخی جهات با یافته‌های پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. برای مثال، نبود نظام فکری منسجم در تاریخ ایران در جهت توسعه کارآفرینی از موانعی است که در پژوهش حاضر به آن اشاره شد. هم‌چنین، یکی از نقاط اشتراک پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها از جمله دل مونت و دیگران (ibid.)، فریچ و ریچ (Fritsch and Wyrwich 2017, 2018)، و فلوریدا (Florida 2004) این است که همه پژوهش‌ها کارآفرینی منطقه‌ای را پدیده‌ای می‌دانند که در طول تاریخ و در بلندمدت توسعه می‌یابد یا مغفول می‌ماند. در واقع، این که در زمان فعلی آمارهای جهانی حوزه کارآفرینی و اقتصاد مانند شاخص سهولت انجام کسب و کار (DB)، شاخص دیدبان جهانی کارآفرینی (GEM)، شاخص رقابت‌پذیری (WCI)، و غیره حکایت از وضعیت نابه‌سامان فعالیت‌های کارآفرینانه در ایران دارد، صرفاً به زمان حال و شرایط فعلی کشور مناطق مربوط نمی‌شود و به بررسی عمیق‌تر این پدیده در بستر تاریخ نیاز است. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، در ادامه پیش‌نهادهایی را از منظر سیاستی و کاربردی ارائه خواهیم کرد:

- باورها و ارزش‌های فرهنگی در سطح مناطق مختلف کشور به طور تاریخی به گونه‌ای بوده که مانع بروز رفتار کارآفرینانه شده است. در واقع، نوعی روحیه کارمندی و

ریسک‌گریزی در بین اکثریت مردم ایران رواج پیدا کرده است که گذار از این مرحله تغییر در مدل‌های ذهنی مردم را می‌طلبد. لذا پیش‌نهاد می‌شود تا با فرهنگ‌سازی کسب‌وکار و کارآفرینی در همان سال‌های آغازین مدرسه در بین کودکان و نوجوانان قدم در مسیر توسعه و تغییر مدل‌های ذهنی افراد جامعه به سمت کارآفرینی گام برداشته شود.

- پیش‌نهاد می‌شود تا با بسترسازی مناسبی برای مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی و منطقه‌ای انجام پذیرد، چراکه از این طریق می‌توان حس تعلق کارآفرینان به مناطق را بیش‌تر کرد و نرخ مهاجرت افرادی را که ایده‌پردازند و پتانسیل سرمایه‌گذاری و کارآفرینی دارند کاهش داد.

- باتوجه به یافته‌های پژوهش، بوروکراسی اداری مانعی بزرگ و پیچیده برسر راه توسعه کارآفرینی منطقه‌ای است. پیش‌نهاد می‌شود که با تغییر رویکرد حاکمان محلی و منطقه‌ای، ساختار نهادی به گونه‌ای اصلاح شود که کارکرد فسادستیزی پیدا کند و امکان استفاده از رانت‌های اطلاعاتی و ترویج فسادهای اداری به کم‌ترین حد ممکن برسد.

- یافته‌های پژوهش حکایت از این واقعیت دارد که حاکمان محلی و منطقه‌ای طی تاریخ قدرت و اختیارات کافی نداشته‌اند، درحالی‌که بررسی تجربه سایر کشورها نشان‌دهنده این حقیقت است که قدرت و اختیار مقامات محلی و منطقه‌ای نقش به‌سزایی در توسعه کارآفرینی منطقه‌ای دارد. لذا پیش‌نهاد می‌شود با اتخاذ سیاست‌هایی نوین، اختیارات مقامات محلی و منطقه‌ای در زمینه بهبود محیط کسب‌وکار افزایش داده شود.

- سیستم قانون‌گذاری کسب‌وکار بایستی به گونه‌ای متناسب با مزیت منطقه‌ای باشد و رویکرد تسهیل‌گری داشته باشد. این مهم به‌ویژه در مورد حقوق مالکیت مادی و معنوی، که یکی از شاخص‌های اصلی توسعه کارآفرینی در سطح منطقه‌ای و ملی است، از اهمیت دوچندانی برخوردار است و سیاست‌گذاران بایستی مقررات مناسبی را به منظور حمایت از حقوق مالکیت تدوین کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری بهمن خداپناه، نویسنده اول مقاله حاضر، است.

کتاب‌نامه

سیف‌الدینی، ف. (۱۳۸۹)، «چالش‌ها و موانع برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ش ۷۳.

فرجی‌زاده، خ، غ. کاظمیان، و ع. رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۴)، «آسیب‌شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادگرایی»، فرایند مدیریت و توسعه، س ۲۶، ش ۲.

Alia, Abdul, ADonna J. Kelleya and Jonathan Levieb (2019), "Market-Driven Entrepreneurship and Institutions", *Journal of Business Research*.

Andreas, Rauch et al. (2020), "The Influence of Formal and Informal Institutional Voids on Entrepreneurship", *Entrepreneurship Theory and Practice*, vol. 44, no. 3.

Andersson, S. and M. Koster (2011), "Sources of Persistence in Regional Start-Up Rates-Evidence from Sweden", *Journal of Economic Geography*, vol. 11, no. 1.

Audretsch, D. and M. Fritsch (2003), "Linking Entrepreneurship to Growth: The Case of West Germany", *Industry and Innovation*, vol. 10, no. 1.

Bosma, N. and R. Sternberg (2014), "Entrepreneurship as an Urban Event? Empirical Evidence from European Cities", *Regional Studies*, vol. 48, no. 6.

Bruton, G. D., D. Ahlstrom and L. H. Li (2010), "Institutional Theory and Entrepreneurship: where are we Now and where do we Need to Move in the Future?", *Entrepreneurship Theory and Practice*, vol. 34, no. 3.

Davidsson, P. (2006), *Nascent Entrepreneurship: Empirical Studies and Developments*, Now Publishers inc.

Del Monte, A., S. Moccia and L. Pennacchio (2020), "Regional Entrepreneurship and Innovation: Historical Roots and the Impact on the Growth of Regions", *Small Business Economics*.

Elsner, W. (2007), "Why Meso? On 'Aggregation' and 'Emergence', and why and how the Meso Level is Essential in Social Economics", *In Forum for Social Economics*, vol. 36, no. 1.

Elsner, W. (2017), "The Institutional Theory of Institutional Change Revisited: The Institutional Dichotomy in a more Formal Perspective", *Journal of Institutional Studies*, vol. 9, no. 2.

Florida, R. (2014), "The Creative Class and Economic Development", *Economic Development Quarterly*, vol. 28, no. 3.

Fried, V. H. (2003), "Defining a Forum for Entrepreneurship Scholars", *Journal of Business Venturing*, vol. 18, no. 1.

Fritsch, M. and M. Wyrwich (2017), "The Effect of Entrepreneurship on Economic Development-An Empirical Analysis Using Regional Entrepreneurship Culture", *Journal of Economic Geography*, vol. 17, no. 1.

Fritsch, M. and M. Wyrwich (2018), "Regional Knowledge Entre Preneurial Culture, and Innovative Start-Ups over Time and Pace-An Empirical Investigation", *Small Business Economics*, vol. 51, no. 2.

- Fritsch, M. and M. Wyrwich (2019), "Regional Trajectories of Entrepreneurship, Knowledge, and Growth", *International Studies in Entrepreneurship*, vol. 40.
- Glaeser, E. L., R. La Porta and F. L. De-Silanes (2004), "Do Institutions Cause Growth?", *Journal of Economic Growth*, no. 9.
- González-López, M., B. T. Asheim and Carre Sánchez (2019), "New Insights on Regional Innovation Policies", *The European Social Science Research*.
- Huggins, R. (2015), "Regional Entrepreneurship and the Evolution of Public Policy and Governance: Evidence from Three Regions", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, vol. 22, no. 3.
- Kenney, M. and D. Patton (2005), "Entrepreneurial Geographies: Support Networks in Three High-Technology Industries", *Economic Geography*, vol. 81, no. 2.
- Khan, B. Z. (2011), "Premium Inventions Patents and Prizes as Incentive Mechanisms in Britain and the Understanding Long-Run Economic Growth", *Geography, Institutions, and the Knowledge Economy*, vol. 205.
- Landström, H. and G. Harirchi (2018), "The Social Structure of Entrepreneurship as a Scientific Field", *Research Policy*, vol. 47, no. 3.
- Lundstrom, A. and L. A. Stevenson (2005), "Entrepreneurship Policy-Definitions, Foundations and Framework", *Entrepreneurship Policy: Theory and Practice*.
- Pike, A., A. Rodriguez-Pose and J. Tomaney (2006), *Local and Regional Development*, London: Routledge.
- Reynolds, P., D. J. Storey and P. Westhead (1994), "Cross-National Comparisons of the Variation in New Firm Formation Rates", *Regional Studies*, vol. 28, no. 4.
- Rindova, V., D. Barry and Jr. D. Ketchen (2009), "Entrepreneurship as Emancipation", *Academy of Management Review*, vol. 34, no. 3.
- Roundy, P. and F. Dutch (2018), "Dynamic Capabilities and Entrepreneurial Ecosystems: The Micro-Foundations of Regional Entrepreneurship", *The Journal of Entrepreneurship*.
- Sandelowski, M. and J. Barroso (2006), *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*, Springer Publishing Company.
- Shane, S. and S. Venkataraman (2000), "The Promise of Entrepreneurship as a Field of Research", *Academy of Management Review*, vol. 25, no. 1.
- Stuetzer, M., D. B. Audretsch and M. Obschonka (2018), "Entrepreneurship Culture, Knowledge Spillovers and the Growth of Regions", *Regional Studies*, vol. 52, no. 5.
- Thornton, P. H. (1999), "The Sociology of Entrepreneurship", *Annual Review of Sociology*, vol. 25, no. 1.
- Walsh, D. and S. Downe (2005), "Meta Synthesis Method for Qualitative Research: A Literature Review", *Journal of Advanced Nursing*, vol. 50, no. 2.

